

هدية
HÄDIYAH



دو نامہ مختصر دربارہ زکات و روزہ

رسالتان موجزتان فی الزکاة والصیام

فارسی

فارسی



علامہ شیخ

عبد العزیز بن عبد اللہ بن باز
رحمہ اللہ

ح) جمعية خدمة المحتوى الإسلامي باللغات ، ١٤٤٦هـ

بن باز ، عبدالعزيز
رسالتان موجزتان في الزكاة والصيام - فارسي. / عبدالعزيز
بن باز - ط١. -. الرياض ، ١٤٤٦هـ
٢٣ ص ؛ ..سم

رقم الإيداع: ١٤٤٦/١٤٢٦٨
ردمك: ٨-٠٠-٨٥٢٤-٦٠٣-٩٧٨

رسالتان موجزتان

في الزكاة والصيام

دو نامه مختصر

درباره زکات و روزه

علامه شیخ

عبد العزیز بن عبد اللہ بن باز

رحمہ اللہ

بسم الله الرحمن الرحيم

نامه نخست

در پژوهش‌های مهم درباره زکات

ستایش تنها از آن الله است، و درود و سلام بر آنکه پیامبری پس از وی نیست، و بر آل و اصحاب او باد، اما بعد:

باعث نوشتن این کلمات نصیحت و یادآوری فریضه زکات است که بسیاری از مسلمانان در آن سهل‌انگاری کرده و آن را به صورت مشروع ادا نکرده‌اند، با وجود اهمیت بزرگ آن و اینکه یکی از ارکان پنج‌گانه اسلام است که بنای آن جز بر آن استوار نمی‌شود؛ به قول پیامبر صلی الله علیه وسلم: «اسلام بر پنج [پایه] بنا شده است: گواهی دادن به اینکه معبودی [به حق] جز الله نیست و اینکه محمد فرستاده الله است، و برپا داشتن نماز، و دادن زکات، و روزه ماه رمضان، و حج بیت الله الحرام». (بخاری و مسلم) بر صحت آن اتفاق دارند.

و زکات را بر مسلمانان فرض نمودن از جمله زیبایی‌های آشکار

اسلام و توجه آن به امور پیروانش است؛ به دلیل فواید فراوان آن و نیاز شدید فقرای مسلمانان به آن.

از فایده های آن: قوی شدن پیوندهای دوستی میان ثروتمند و نیازمند است؛ زیرا دلها به محبت کسی که به آنها نیکی کرده، تمایل دارند.

و از فایده های آن: پاکسازی و تزکیه نفس و دوری آن از اخلاق طمعکاری و بخیلی است، همان طور که قرآن کریم به این معنا اشاره کرده است:

﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا...﴾ [التوبة: ۱۰۳]،
یعنی: (از اموال آنان صدقه [و زکات] بگیر، تا به وسیله آن، آنان را [از گناه] پاک گردانی و درجاتشان را بالا ببری؛ و برایشان دعا کن).

و از جمله فایده ها: عادت دادن مسلمان به صفت سخاوت و کرم و عطوفت بر نیازمند است.

و از جمله آن: جلب برکت و افزایش و زیادی [مال] از سوی الله متعال است، چنان که الله متعال می فرماید:

﴿...وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾ [سبأ:

۳۹]، یعنی: (و هر چیزی را [که در راه الله] انفاق کنید، او به جای آن [مال - و بهتر از آن - به شما] بازپس می‌دهد؛ و او تعالی بهترین روزی‌دهنده است).

و این فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح که: خداوند می‌فرماید: «ای فرزند آدم انفاق کن، تا به تو انفاق کنیم...» و فایده های فراوان دیگر.

و تهدید شدید در مورد کسی وارد شده که در دادن آن بخل ورزد یا در اخراج آن کوتاهی کند؛ الله متعال می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿۳۴﴾ يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنْزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ ﴿۳۵﴾﴾ [التوبة: ۳۴-۳۵]، یعنی: (و کسانی که طلا و نقره می‌اندوزند و آن را در راه الله انفاق نمی‌کنند، آنان را به عذابی دردناک بشارت بده. روزی که آن [گنجینه‌ها] را در آتش دوزخ سرخ کنند، و

پیشانی و پهلوی و پشتشان را با آن داغ نهند [و بگویند: این است آنچه برای خویش می‌اندوختید؛ پس بچشید آنچه را که می‌اندوختید].

پس هر مالی که زکاتش پرداخت نشود، گنجی است که صاحبش روز قیامت به آن عذاب می‌شود، چنانکه حدیث صحیح از پیامبر صلی الله علیه وسلم بر این دلالت دارد که فرمودند: «هر صاحبِ طلا و نقره‌ای که زکاتِ آن را ندهد، روز قیامت طلا و نقره‌اش به ورق‌هایی از آتش تبدیل می‌شود و این ورق‌ها را در آتش دوزخ داغ می‌کنند و سپس با آن پهلوها، پیشانی و پشت او را داغ می‌نهند و هر بار که این ورق‌ها سرد شود، دوباره داغ می‌گردد و این عذاب برای آن شخص در روزی که مقدارش به اندازه پنج‌هزار سال است، ادامه دارد تا آن که در میان بندگان، حکم می‌شود و سپس مسیرِ آن فرد به سوی بهشت یا به سوی دوزخ، مشخص می‌گردد».

سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم به ذکر صاحب شتران، گاوها و گوسفندانی که زکاتشان را نمی‌دهند، پرداخت و خبر داد که در روز قیامت با آنها عذاب می‌شوند.

و در حدیث صحیحی از رسول خدا صلی الله علیه و سلم روایت است که فرمودند: «آنکه الله به او مالی داده و او زکاتش را ادا نکند، در شکل افعی بی مویی بر او آشکار می شود، که دو خال سیاه بالای چشمانش دارد و او را در روز قیامت به گردنش می اندازند، سپس با دو سوی دهانش او را می گیرد و می گوید: من مال تو ام، من گنج تو ام»، سپس پیامبر صلی الله علیه و سلم این آیه را تلاوت فرمودند: ﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...﴾ [آل عمران: ۱۸۰]، یعنی: (و کسانی که به آنچه الله از فضل خویش به آنان داده است بخل می ورزند، گمان نکنند که آن [بخل] برایشان خیر است؛ بلکه برایشان شر است. در روز قیامت، آنچه به آن بخل می ورزیدند، طوق گردنشان خواهد شد).

و زکات بر چهار دسته واجب است: محصولات کشاورزی که از زمین خارج می شوند، چهارپایان اهلی که [از زمین خدا] می چرند، طلا و نقره، و کالاهای تجاری.

هر یک از این چهار دسته نصاب معینی دارند که زکات بر کمتر از

آن واجب نمی‌شود. نصاب حیوانات و محصولات کشاورزی پنج وسق است و وسق شصت صاع بر اساس صاع پیامبر صلی الله علیه وسلم است. از جمله خرما، کشمش، گندم، برنج، جو و مانند آن، سیصد صاع بر اساس صاع پیامبر صلی الله علیه وسلم است که چهار مُشت با دستان مردی با خلقت معتدل است، در صورتی که دستانش پُر باشد.

و واجب در این مورد، پرداخت یک دهم است به شرط آنکه این درختان خرما و زراعت‌ها بدون هزینه‌ای آبیاری شده باشند، مانند باران‌ها، رودخانه‌ها و چشمه‌های جاری و نظایر آن آبیاری شده باشند.

اما اگر با هزینه و زحمت آبیاری شود: مانند سوانی و ماشین‌های آب‌کش و مانند آن، زکات واجب در آن نصف یک دهم است، چنانکه حدیث صحیح از رسول الله صلی الله علیه وسلم بر این دلالت دارد.

و اما نصاب چهارپایان از شتر و گاو و گوسفند، در احادیث صحیح از رسول الله صلی الله علیه وسلم به تفصیل بیان شده است و کسی که خواهان دانستن آن باشد می‌تواند از اهل علم در این باره سؤال کند و اگر قصد اختصار نبود، آن را برای تکمیل فایده ذکر می‌کردیم.

و اما نصاب نقره صد و چهل مثقال است و مقدار آن به درهم‌های عربستان سعودی پنجاه و شش ریال می‌باشد.

نصاب طلا بیست مثقال است و مقدار آن از جنیه‌های سعودی یازده جنیه و سه هفتم جنیه می‌باشد، و به گرم نود و دو گرم است و زکات واجب در آن‌ها یک چهلم است بر کسی که نصاب آن‌ها یا یکی از آن‌ها را داشته باشد و یک سال بر آن بگذرد.

و سود تابع اصل است و نیاز به گذراندن یک سال جدید ندارد، همانطور که زاد و ولد چهارپایان تابع اصل خود است و اگر اصل آن نصاب باشد، نیاز به گذراندن یک سال جدید ندارد.

پول‌های کاغذی که امروزه مردم با آن‌ها معامله می‌کنند، خواه درهم، دینار، دلار یا هر نام دیگری باشد حکم طلا و نقره را دارند. اگر ارزش آن‌ها به نصاب نقره یا طلا برسد و یک سال از آن بگذرد، زکات بر آن واجب می‌شود.

و به پول‌ها، زیورآلات زنان از طلا یا نقره نیز ملحق می‌شود، به ویژه اگر به حد نصاب رسیده و یک سال از آن گذشته باشد، در این صورت زکات بر آن واجب است حتی اگر برای استفاده یا عاریه آماده شده

باشد، بر اساس صحیح ترین قول علما؛ به دلیل عمومیت قول پیامبر صلی الله علیه و سلم: «هر صاحب طلا و نقره‌ای که زکات آن را ندهد، روز قیامت طلا و نقره‌اش به ورق‌هایی از آتش تبدیل می‌شود». تا پایان حدیث مذکور.

و چون از پیامبر صلی الله علیه و سلم ثابت شده که در دست زنی دو دستبند طلا دید و فرمود: (آیا زکات این را می‌دهی؟) گفت: نه. گفت: (آیا خوشحال می‌شوی که الله در روز قیامت آن‌ها را به دو دستبند از آتش تبدیل کند؟) پس آن‌ها را انداخت و گفت: این‌ها برای الله و رسول اوست. به روایت ابوداود و نسائی با سند حسن.

و از ام سلمه رضی الله عنها ثابت شده که او زیورآلاتی از طلا می‌پوشید، پس گفت: یا رسول الله، آیا این گنجینه است؟ فرمود: «هر آنچه به حد زکات رسیده، و زکاتش پرداخت شود، گنج نیست». و احادیث دیگری در این معنا.

اما کالاهای تجاری که برای فروش آماده شده‌اند، در پایان سال ارزیابی می‌شوند و یک چهارم عشر ارزش آنها پرداخت می‌شود، خواه ارزش آنها برابر با قیمتشان باشد یا بیشتر یا کمتر؛ به دلیل حدیث سمره

رضی الله عنه که گفت: «رسول الله صلی الله علیه وسلم به ما امر می فرمودند که صدقه را از آنچه برای فروش آماده کرده ایم، خارج کنیم». به روایت ابوداود.

و در این دسته، زمین های آماده برای فروش، ساختمان ها، خودروها، ماشین های آب کشی و دیگر انواع کالاهای آماده برای فروش داخل می شوند.

اما ساختمان هایی که برای اجاره آماده شده اند نه برای فروش، زکات در اجاره های آن ها واجب است اگر یک سال بر آن ها بگذرد، اما خود ساختمان ها زکات ندارند؛ زیرا برای فروش آماده نشده اند. همچنین خودروهای شخصی و کرایه ای زکات ندارند اگر برای فروش آماده نشده باشند و صاحبشان آن ها را برای استفاده شخصی خریداری کرده باشد.

و اگر برای صاحب تاکسی یا غیره پولی جمع شود که به نصاب برسد، بر او واجب است که زکات آن را بپردازد اگر یک سال بر آن بگذرد، چه آن را برای هزینه زندگی، یا ازدواج، یا خرید ملک، یا

پرداخت بدهی، یا دیگر مقاصد آماده کرده باشد؛ به دلیل عموم ادله شرعی که بر وجوب زکات در چنین مواردی دلالت دارد.

و نظر صحیح علمای دین این است که بدهی مانع زکات نمی‌شود.

و به همین ترتیب، اموال یتیمان و دیوانگان نیز طبق نظر جمهور علما زکات بر آنها واجب است اگر به نصاب برسد و یک سال بر آن بگذرد، و بر اولیای آنها واجب است که با نیت از جانب آنها زکات را در پایان سال پرداخت کنند؛ به دلیل عموم ادله، مانند قول پیامبر صلی الله علیه و سلم در حدیث معاذ رضی الله عنه هنگامی که او را به سوی اهل یمن فرستاد: «الله متعال صدقه‌ای را در اموالشان بر آنان فرض کرده است که از ثروتمندان‌شان گرفته شده و به فقرایشان بازگردانده می‌شود».

زکات حق الله است و نباید به کسانی که مستحق آن نیستند داده شود، و نه اینکه انسان با آن برای خود نفعی جلب کند یا ضرری دفع کند، و نه اینکه با آن مال خود را حفظ کند یا از خود مذمتی دفع کند، بلکه بر مسلمان واجب است که زکاتش را به مستحقانش بدهد به دلیل اینکه آنان اهل آن هستند، نه به خاطر هدف دیگری، با رضایت خاطر

و اخلاص برای الله در این کار؛ تا از گردنش ساقط شود، و مستحق پاداش بزرگ گردد، و خداوند جایگزین آن مال را به او می دهد.

الله سبحانه در کتاب کریم خود دسته های مستحقان زکات را روشن کرده است، الله تعالی می فرماید:

﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْعَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ [التوبة: ۶۰]، یعنی: (به تحقیق زکات اختصاص دارد به فقیران و مستمندان و کارگزاران [جمع آوری و توزیع] آن و دلجویی شدگان [تازه مسلمان] و برای [آزاد کردن] بردگان و [پرداخت وام] بدهکاران و [جهادگران] در راه الله و [کمک به] درراه ماندگان. [این] فریضه ای [مقرر شده] از جانب الله است؛ و الله دانای حکیم است).

و در پایان این آیه کریمه با این دو اسم بزرگ، الله سبحانه و تعالی به بندگان تذکر می دهد که او سبحانه و تعالی آگاه به احوال بندگان است؛ چه کسی از آنان مستحق صدقه است و چه کسی نیست، و او

حکیم در شریعت و تقدیرش است و چیزها را جز در جایگاه شایسته‌شان قرار نمی‌دهد، هرچند برخی از مردم از اسرار حکمتش بی‌خبر باشند؛ تا بندگان به شریعتش اطمینان کنند و به حکم او تسلیم شوند.

از الله خواهیم که ما و مسلمانان را برای فهم دینش، صداقت در معامله با او، و پیشی گرفتن در آنچه او را خشنود می‌سازد، و عافیت از موجبات خشم او توفیق دهد؛ همانا او شنوا و نزدیک است!

و درود و سلام الله بر بنده و پیامبرش محمد و بر آل و اصحاب او باد.

ریاست کل مدیریت پژوهشهای علمی

فتوا و دعوت و ارشاد

جناب شیخ: عبد العزیز بن عبد الله بن باز

نامه دوم

در فضیلت روزه رمضان و قیام آن همراه با بیان احکام مهمی

که ممکن است بر برخی افراد پوشیده بماند

از عبد العزیز بن عبد الله بن باز به هر مسلمانی که این را می بیند، الله
من و ایشان را به راه اهل ایمان هدایت کند، و من و آنها را برای فهم
سنت و قرآن توفیق دهد، آمین!

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته، اما بعد:

این نصیحت مختصر به فضیلت روزه رمضان و قیام آن، و فضیلت
پیشی گرفتن در آن با اعمال صالح، همراه با بیان احکام مهمی که
ممکن است بر برخی از مردم پوشیده بماند، مربوط می شود.

از رسول الله صلی الله علیه وسلم ثابت شده است که ایشان آمدن
ماه رمضان را به یارانش بشارت می دادند و به آنان خبر می دادند که این
ماه ماهی است که در آن درهای رحمت و درهای بهشت گشوده می شود،
و درهای جهنم بسته می شود، و شیاطین به زنجیر کشیده می شوند، و
می فرمودند: «چون اولین شب رمضان فرا رسد، درهای بهشت گشوده
می شود و هیچ دری از آن بسته نمی شود، و درهای دوزخ بسته می شود

و هیچ دری از آن گشوده نمی‌شود، و شیاطین به زنجیر کشیده می‌شوند، و ندا دهنده‌ای ندا می‌دهد: ای جوینده خیر، پیش آی و ای جوینده شر، باز ایست. و برای خداوند آزادشدگانی از آتش است و این در هر شب [رمضان] است».

و ایشان صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «ماه رمضان، ماه برکت به شما رسیده است که الله در آن شما را فرا می‌گیرد: رحمت را نازل می‌کند، خطاها را می‌بخشد و دعاها را مستجاب می‌کند. الله به رقابت شما در این ماه می‌نگرد و به فرشتگانش به شما مباحات می‌کند؛ پس از خودتان به الله بهترین‌ها را نشان دهید؛ زیرا بدبخت کسی است که در این ماه از رحمت الله محروم شود».

و ایشان صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «هر کسی ماه رمضان را از روی ایمان و برای کسب پاداش آن روزه بگیرد، گناهان گذشته‌اش بخشیده می‌شوند، و هر کسی ماه رمضان را از روی ایمان و برای کسب پاداش آن به نماز ایستد، گناهان گذشته‌اش بخشیده می‌شوند، و هر کس شب قدر را با ایمان و برای کسب پاداش آن [به عبادت] قیام کند، گناهان گذشته‌اش آمرزیده می‌شود».

و ایشان صلی الله علیه وسلم می فرماید: «الله می فرماید: هر عمل فرزند آدم برای اوست و پاداش هر حسنه‌ای ده برابر تا هفتصد برابر می شود، مگر روزه که برای من است و من پاداش آن را می دهم؛ او شهوت، غذا و نوشیدنی اش را بخاطر من ترک می کند. برای روزه دار دو شادی است: شادمانی هنگام افطار و شادمانی هنگام ملاقات پروردگارش. و بوی دهان روزه دار نزد الله از بوی مشک خوش تر است».

و احادیث در فضیلت روزه رمضان و قیام آن و فضیلت جنس روزه فراوان است.

پس بر مؤمن لازم است که این فرصت را غنیمت شمارد، یعنی: آنچه که الله به او از درک ماه رمضان بخشیده است؛ پس به سوی طاعات بشتابد، و از گناهان پرهیزد، و در ادای آنچه که الله بر او فرض کرده است، به ویژه نمازهای پنج گانه، که ستون اسلام است و بزرگترین فرایض پس از شهادتین است، کوشش کند؛ پس بر هر مرد و زن مسلمان واجب است که بر آنها محافظت کند و آنها را در اوقاتشان با خشوع و آرامش به جا آورد.

و از مهم‌ترین واجبات آن برای مردان، انجام آن در جماعت در مساجد است که الله امر کرده است تا [قدر و منزلت مساجد] گرمی داشته شود و نامش در آنها برده شود چنانکه فرمود: ﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاٰكِعِينَ﴾ [البقرة: ۴۳]، یعنی: (و نماز برپا دارید و زکات پردازید و با نمازگزاران نماز بخوانید).

و الله متعال می‌فرماید: ﴿حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ﴾ [البقرة: ۲۳۸]، یعنی: (ای مسمانان، بر [ادای] همه نمازها و [به خصوص] نماز میانه (نماز عصر) کوشا باشید و با فروتنی و فرمانبرداری برای الله به پا خیزید).

و گفت: ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ۙ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾ [المؤمنون: ۱-۲]، یعنی: (به تحقیق که مومنان رستگار شده‌اند * همان کسانی که در نماز خویش فروتن هستند)، تا آنجا که می‌گوید: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ۙ أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ ۙ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ [المؤمنون: ۹-۱۱]، یعنی: (و کسانی که بر [ادای] نمازهایشان مراقبت

می‌کنند، به تحقیق آنان هستند که وارثان هستند، [همان] کسانی که بهشت برین را به ارث می‌برند [و] در آن جاودانند).

و پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «پیمان میان ما و آنها [منافقان] نماز است، پس کسی که آن را ترک می‌نماید به تحقیق کافر شده است».

و مهم‌ترین فرائض بعد از نماز، ادای زکات است همان‌طور که خداوند فرمود: ﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ ٥﴾ [البینة: ۵]، یعنی: (و آنان فرمان نیافتند جز اینکه الله را عبادت کنند درحالی که دین [خود] را برای او خالص گردانند [و از شرک و عبادت معبودان باطل،] به توحید روی آورند؛ و نماز برپا دارند و زکات پردازند؛ و این است آیین راستین و مستقیم).

و الله متعال می‌فرماید: ﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاطِيعُوا الرِّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ٥٦﴾ [النور: ۵۶]، یعنی: (و نماز برپا دارید و زکات پردازید و از پیامبر اطاعت کنید؛ باشد که مورد رحمت قرار گیرید).

کتاب بزرگ خداوند و سنت پیامبر کریم دلالت دارند بر اینکه کسی که زکات مال خود را ندهد، در روز قیامت با آن عذاب خواهد شد.

و مهم‌ترین امور پس از نماز و زکات، روزه رمضان است که یکی از ارکان پنج‌گانه اسلام است که در حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم ذکر شده است: «اسلام بر پنج [پایه] بنا شده است: گواهی دادن به اینکه معبودی [به حق] جز الله نیست و اینکه محمد فرستاده الله است؛ و برپا داشتن نماز و دادن زکات و روزه ماه رمضان و حج بیت الله الحرام».

و بر مسلمان واجب است که روزه و قیام خود را از آنچه الله بر او حرام کرده از گفتار و کردار حفظ کند؛ زیرا هدف از روزه، اطاعت از الله سبحانه و تعالی و بزرگداشت حرمت‌های او و جهاد با نفس در مخالفت با هوای آن در طاعت مولای خود و عادت دادن آن به صبر بر آنچه الله حرام کرده است، می‌باشد و هدف تنها ترک غذا و نوشیدنی و سایر باطل‌کننده‌ها نیست؛ و به همین دلیل از رسول الله صلی الله علیه وسلم با سند صحیح نقل شده که فرمود: «روزه سپر است، پس چون روز روزه کسی از شما بود دچار گناه نشود و صدایش را به بدی بالا نبرد و اگر کسی به او ناسزا گفت یا با او درگیر شد بگوید: من

روزه‌دار هستم». و در حدیث صحیحی از رسول خدا صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «کسی که سخن ناحق و عمل به آن و جهل را ترک نکند، الله [نیز] نیازی به این ندارد که او غذا و آبش را ترک کند».

پس با این نصوص و غیر آن دانسته می‌شود که بر روزه‌دار واجب است از هر آنچه الله بر او حرام کرده پرهیز کند و بر هر آنچه الله بر او واجب کرده محافظت نماید، و بدین وسیله امید به آمرزش و رهایی از آتش و قبول روزه و قیام برای او می‌رود.

و اموری وجود دارند که ممکن است بر برخی از مردم پنهان بمانند: از جمله: بر مسلمان واجب است که از روی ایمان و برای کسب پاداش روزه بگیرد، نه برای ریا و خودنمایی و نه به تقلید از مردم یا پیروی از خانواده یا اهل کشورش، بلکه واجب است که انگیزه او برای روزه گرفتن ایمانش به این باشد که الله آن را بر او فرض کرده و پاداش آن را نزد پروردگارش می‌طلبد. همچنین قیام رمضان را باید مسلمان از روی ایمان و برای کسب پاداش انجام دهد، نه به دلیل دیگری؛ و به همین دلیل پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هر کسی ماه رمضان

را از روی ایمان و برای کسب پاداش آن روزه بگیرد، گناهان گذشته‌اش آمرزیده می‌شود، و هر کسی ماه رمضان را از روی ایمان و برای کسب پاداش آن به نماز ایستد، گناهان گذشته‌اش بخشیده می‌شوند، و کسی که شب قدر را از روی ایمان و احتساب [به نماز و عبادت] ایستد، گناهان گذشته‌اش آمرزیده می‌شود».

و از جمله اموری که حکم آن ممکن است بر برخی از مردم پوشیده بماند: جراحات، یا خون دماغ، یا استفراغ، یا ورود آب یا بنزین به گلولی روزه دار بدون اختیار او است که همه این امور روزه را باطل نمی‌کند، اما کسی که به عمد استفراغ کند روزه‌اش باطل می‌شود؛ به دلیل قول پیامبر صلی الله علیه وسلم: «آنکه استفراغش بر او غالب شد (بدون اراده اش خارج شد) قضا ندارد، اما هر آنکه به عمد استفراغ کرد، روزه اش را قضا کند».

و از این جمله است: آنچه ممکن است برای روزه‌دار پیش آید از تأخیر غسل جنابت تا طلوع فجر، و آنچه برای برخی زنان پیش می‌آید از تأخیر غسل حیض یا نفاس تا طلوع فجر اگر پیش از فجر پاکی را ببیند، بر او لازم است که روزه بگیرد و تأخیر غسل تا بعد از طلوع فجر مانعی ندارد، اما نباید آن را تا طلوع خورشید به تأخیر بیندازد، بلکه باید

پیش از طلوع خورشید غسل کند و نماز صبح را ادا نماید. و به همین ترتیب، جنب نمی‌تواند غسل را تا بعد از طلوع خورشید به تأخیر بیندازد، بلکه باید پیش از طلوع خورشید غسل کند و نماز صبح را بخواند، و بر مرد واجب است که در این امر شتاب کند تا نماز صبح را با جماعت درک کند.

و از اموری که روزه را باطل نمی‌کند: آزمایش خون و تزریقاتی است که به قصد تغذیه نباشد، اما اگر ممکن باشد، تأخیر آن به شب بهتر و به احتیاط نزدیکتر است؛ به دلیل سخن پیامبر صلی الله علیه وسلم که می‌فرماید: «آنچه تو را به شک می‌اندازد رها کن و چیزی را برگیر که تو را به شک نمی‌اندازد». و این سخن ایشان علیه الصلاة والسلام که می‌فرماید: «هر کسی از شبهات دوری جست، خود را از گناه در دین و ناموس خود محفوظ کرده است».

از جمله اموری که حکم آن بر برخی از مردم پوشیده است: عدم آرامش در نماز است، چه فرض باشد و چه نافله، و احادیث صحیح از رسول الله صلی الله علیه وسلم دلالت بر این دارند که آرامش (اطمینان) رکنی از ارکان نماز است و نماز بدون آن درست نیست، و آن آرام گرفتن در نماز و خشوع در آن و عدم عجله است تا هر استخوان به جای خود

برگردد، و بسیاری از مردم در رمضان نماز تراویح را به گونه‌ای می‌خوانند که نه آن را می‌فهمند و نه در آن آرامش دارند، بلکه آن را به سرعت و شتاب می‌خوانند، و این نماز به این شکل باطل است و صاحب آن گناهکار و بی‌اجر است.

از جمله اموری که حکم آن بر برخی از مردم پوشیده می‌ماند این است که بعضی گمان می‌کنند که تراویح نباید کمتر از بیست رکعت باشد، و برخی دیگر گمان می‌کنند که نباید بیش از یازده یا سیزده رکعت باشد، و این همه گمان‌هایی است که در جای خود نیست، بلکه خطایی است مخالف با دلایل.

و احادیث صحیح از رسول الله صلی الله علیه وسلم دلالت دارد بر اینکه نماز شب در آن وسعت است و حد معینی ندارد که تخلف از آن جایز نباشد، بلکه از ایشان ثابت شده که در شب یازده رکعت نماز می‌خواندند و گاهی سیزده رکعت می‌خواندند و گاهی کمتر از آن در رمضان و غیر رمضان، و هنگامی که درباره نماز شب از ایشان سؤال شد، فرمودند: «دو رکعت دو رکعت، و اگر یکی از شما از رسیدن صبح بیم داشت، یک رکعت بخواند که برای او وتر آنچه را که قبلاً خوانده است، محسوب می‌شود». (بخاری و مسلم) بر صحت آن اتفاق دارند.

و تعداد رکعت‌های معینی تعیین نشده است، نه در رمضان و نه در غیر آن، و به همین دلیل صحابه در زمان عُمر رضی الله عنه گاهی بیست و سه رکعت و گاهی یازده رکعت می‌خواندند، و همه این‌ها از عُمر رضی الله عنه و از صحابه در زمان او ثابت شده است.

و برخی از سلف در رمضان سی و شش رکعت نماز می‌خواندند و سه رکعت وتر می‌گزاردند، و برخی چهل و یک رکعت می‌خواندند. این را شیخ الاسلام ابن تیمیه و دیگر اهل علم از آنان نقل کرده‌اند، چنان‌که - رحمة الله علیه - ذکر کرده که در این امر وسعت وجود دارد، و نیز بیان کرده که برای کسی که قرائت و رکوع و سجود را طولانی می‌کند، بهتر است که تعداد [رکعات] را کاهش دهد، و کسی که قرائت و رکوع و سجود را خفیف می‌خواند، تعداد رکعات را افزایش دهد. این معنای کلام اوست رحمه الله.

و هر کس در سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم تأمل کند، درمی‌یابد که بهترین کار در آنچه ذکر شد، نماز یازده رکعت یا سیزده رکعت در رمضان و غیر آن است؛ زیرا این مطابق با فعل پیامبر صلی الله علیه وسلم در بیشتر حالات اوست و برای نمازگزاران آسان‌تر و به خشوع و آرامش

نزدیک تر است و هر کس بیشتر بخواند، نه حرجی است و نه کراهتی، همان طور که پیش تر ذکر شد.

و بهتر است برای کسی که همراه امام در قیام رمضان نماز می گزارد، تا پایان نماز امام منصرف نشود؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «هرگاه مردی همراه امام به قیام ایستد تا آنکه [امام از نماز] منصرف شود [و نمازش به پایان برسد]، الله برایش قیام یک شب [کامل] را می نویسد».

و برای همه مسلمانان مشروع است که در این ماه کریم در انواع عبادات کوشش کنند، از جمله نماز نافله، و قرائت قرآن با تدبر و تعقل و افزودن به تسبیح و تهلیل و تحمید و تکبیر و استغفار و دعاهاى شرعى، و امر به معروف و نهی از منکر، و دعوت به سوی الله، و همدردی با فقرا و مساکین و کوشش در نیکی به والدین و صلۀ رحم، و اکرام همسایه و عیادت بیمار، و دیگر انواع خیر؛ به دلیل سخن پیامبر صلی الله علیه و سلم در حدیث پیشین: «الله به رقابت شما در راه او می نگرَد و به فرشتگانش به شما مباحثات می کند، پس بهترین خود را به الله نشان دهید، زیرا بدبخت کسی است که در این میان از رحمت الله محروم شود».

و به دلیل آنچه از وی علیه الصلاة والسلام روایت شده که فرمودند: «و کسی که در آن به یکی از خصال نیک نزدیک شود، همانند کسی است که در غیر آن یک فریضه را به جا آورده است؛ و کسی که در آن یک فریضه را به جا آورد، همانند کسی است که در غیر آن هفتاد فریضه را به جا آورده است». و به دلیل سخن ایشان علیه الصلاة والسلام در حدیث صحیح که می‌فرماید: «عمره در ماه رمضان برابر با حج است. یا فرمود: حج با من».

و احادیث و آثار دال بر مشروعیت مسابقه و رقابت در انواع خیر در این ماه کریم بسیار است.

از الله خواهیم که ما و دیگر مسلمانان را به هر آنچه رضای او در آن است توفیق دهد و روزه و نماز ما را بپذیرد، احوال ما را اصلاح کند و همه ما را از فتنه‌های گمراه‌کننده حفظ نماید. همچنین از او سبحانه و تعالی می‌خواهیم که رهبران مسلمانان را اصلاح کند و کلمه آنان را بر حق متحد نماید، همانا او ولی این امر و قادر بر آن است.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

فهرست

- دو نامه مختصر درباره زکات و روزه ۳
- نامه نخست ۳
- در پژوهش‌های مهم درباره زکات ۳
- نامه دوم ۱۵
- در فضیلت روزه رمضان و قیام آن همراه با بیان احکام مهمی که ممکن
است بر برخی افراد پوشیده بماند ۱۵



هدية
HÄDIYAH



موسوعة ضيوف الرحمن

مواد منتقاة للحجاج والمعتمرين والزوار بلغات العالم



978-603-8524-00-8